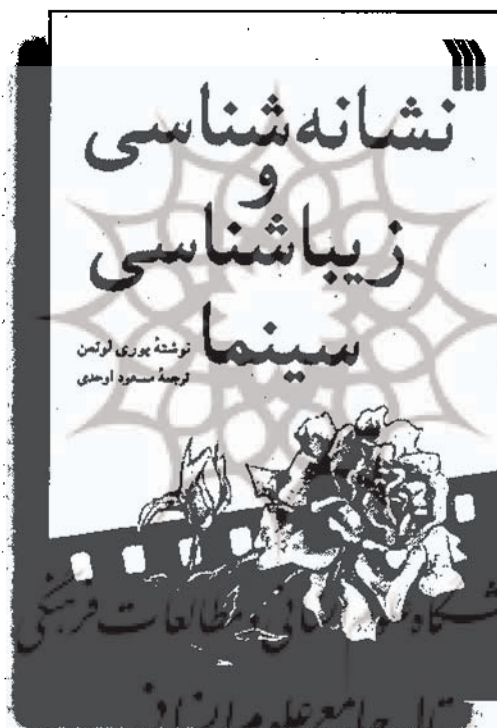


نشانه‌شناسی و زیبایی‌شناسی سینما

■ نویسنده: یوری لوتمن
 ■ مترجم: مسعود اوحدی
 ■ انتشارات: سروش

علی مهدی



خویش را با رویکردی دوباره و البته نقادانه به آموزه‌های فرمالیست (صورت‌گرا)های دهه ۲۰ روسیه آغاز کرد. کم‌کم کار او آن قدر بالا گرفت که به مهم‌ترین سخنگوی مکتب تارتو در زیبایی‌شناسی ادبیات مبدل شد. لوتمن زبان را گونه‌ای نظام خاص می‌داند که در هر جامعه‌ای، تابع نظام فرهنگی آن است و نظام‌های فرهنگی جوامع مختلف در قالب نظام زبانی، بیان اجتماعی پیدا می‌کنند. همچنین اعتقاد داشت که زبان، نظام نشانه‌ای ارتباطی و به سامان است و کارکرد اجتماعی آن، مبادله، انباشت و نگهداری آگاهی‌های جامعه است. از این جا معلوم می‌شود که او زبان‌شناسی را تابعی از دانش گسترده نشانه‌شناسی می‌داند و درباره نشانه‌شناسی ادبیات معتقد بود که نظام خاصی به نام زبان هنری، آن را از زبان متعارف و معمولی جدا

چنان که اشاره شد، در پی فضای فرهنگی بسته در دوره استالین، این پژوهش‌ها ادامه نیافت. در نتیجه یاکوبسون، زاهی آمریکا و گروه دیگری از این پژوهشگران مقیم شهر پراگ شدند و با تنوع بخشیدن به آموزه‌های یاکوبسون، مکتب پراگ را در زیبایی‌شناسی ادبیات بنیاد نهادند. عده‌ای هم در محیط‌های دانشگاهی روسیه همچنان به طور غیرفعال به تحقیقاتشان ادامه دادند تا آن‌که استالین در ۱۹۵۳ درگذشت. پس از کمی افت و خیز سیاسی، سرانجام سیاست فرهنگی استالین محکوم شد و فضای بهتری به دور از رئالیسم سوسیالیستی حزب کمونیست فراهم آمد. در نتیجه در اوایل دهه ۶۰ در دانشگاه تارتو (Tartu) از جمهوری استونی، زبان‌شناس اندیشمندی به نام «یوری لوتمن» پرآوازه شد. او پژوهش‌های ادبی

در نیمه دوم دهه نخست سده کنونی، فضایی از خلاقیت و تنوع فکری و هنری روسیه را فراگرفته بود، اما متأسفانه به دنبال وقوع انقلاب اکتبر، تا پیش از به پایان رسیدن دهه ۲۰ بیشتر دوام نیافت. در زمینه زبان‌شناسی و نقد ادبی، بحث‌های مهمی توسط رومن یاکوبسون با حرارت تمام دنبال می‌شد. هسته مرکزی این مباحث درباره چگونگی وجه تمایز ادبیات از زبان متعارف بود. بلافاصله دیگر صاحب‌نظران به این مجادلات علمی پیوستند. این عده که بعدها سیاست‌گزاران فرهنگی آن‌ها را به فرمالیسم و دور شدن از زندگی حقیقی مردم متهم کردند، باور داشتند که چگونگی کنار هم قرار گرفتن واژگان موجب هنری شدن یک متن می‌شود و آن را از زبان متعارف متمایز می‌سازد.



می‌کند.

لوتمن به دو نوع نظام زبانی باور داشت: زبان طبیعی یا همان زبان متعارف و زبان هنری. نزد او، زبان طبیعی و هنری از آن‌جایی به یکدیگر شبیه هستند که هر دو دارای نظامی از نشانه‌ها هستند و هر دو واحدهای اساسی، واژگان، دستور زبان و نحو (Syntax) دارند. اما تفاوت در نحوه کنار هم قرار گرفتن واژگان است. میان هنرهای مختلف نیز قائل به زبان خاص برای هر یک بود. بنابراین زبان ادبی و زبان سینما از آن حیث که هر دو زبان هنری هستند با زبان طبیعی تفاوت دارند، به یکدیگر شبیه‌اند، اما تفاوت آن‌ها در این است که هر یک زبان هنری خاص خودش را دارد.

از مهم‌ترین کتاب‌های او در زمینه زبان هنری می‌توان به دو کتاب ساختار متن هنری و تحلیل متن شاعرانه اشاره کرد. او همچنین برای یافتن زبان هنر سینما نیز کتابی نوشت که چند سال بعد به انگلیسی منتشر شد و در ۱۳۷۰ نیز به قلم مسعود اوحدی، مدرس سینما، به فارسی با نام نشانه‌شناسی و زیباشناسی سینما ترجمه شد و انتشارات سروش آن را در اختیار علاقه‌مندان قرار داد. لوتمن در مقدمه کتاب، مبانی و تعاریف دیدگاهش درباره زبان هنر سینما را به روشنی بیان می‌کند:

«مفهوم نسبتاً گسترده‌ی زبان، تمامی حوزه‌ی نظام‌های ارتباطی جامعه انسانی را دربرمی‌گیرد. این پرسش که آیا سینما، زبانی از آن خود دارد، باید ابتدا بدین صورت مطرح شود که آیا سینما یک نظام ارتباطی است؟ ظاهراً هیچ‌کس در این مورد تردید ندارد. همه آن‌ها که در آفرینش فیلم، دستی دارند - کارگردانان، بازیگران، نویسندگان فیلمنامه - می‌خواهند از طریق کارهایشان چیزی به ما بگویند. نوار فیلم آن‌ها، نوعی نامه است، مراسله‌ای است که تماشاگران را خطاب می‌کند. برای آن‌که این مراسله را درک کنیم، باید زبانش را بدانیم» (ص ۱۶)

نگاهی به فهرست عناوین کتاب نشان می‌دهد که لوتمن به دنبال واژگان سینما، ماهیت و ساختار روایت سینمایی و مونتاز به عنوان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های زبان هنر سینماست تا خوانندگان کتابش بتوانند زبان سینما را درک کنند.

با مطالب یاد شده به خوبی جایگاه لوتمن به عنوان یک نشانه‌شناس سینما روشن می‌شود. او درست در نقطه مقابل کریستین متز، دیگر نشانه‌شناس معروف سینماست. زیرا متز معتقد بود که سینما هم زبانی دارد، اما این زبان به هیچ وجه همانند زبان کلامی نیست و نباید به دنبال واحدهای زبان کلامی، واژگان، دستور زبان و نحو، در سینما بود.

لوتمن در مقدمه کتابش سنگ بنای تحلیل نشانه‌شناختی‌اش را توضیح می‌دهد و ذکر آن برای درک بهتر دیدگاه لوتمن ضروری می‌نماید.

لوتمن پا را از محدوده نشانه‌شناس بودن فراتر می‌گذارد و نوعی نظریه مربوط به تاریخ هنر را ارائه می‌کند. زیرا به عقیده او هر دو نوع نشانه قرار دادی و تصویری، یا به پای یکدیگر در طول تاریخ هنر بوده‌اند و ارتباط میان آن‌ها دیالکتیکی است. زیرا هر دو یکدیگر را نفی می‌کنند، اما در عین حال هم سوی یکدیگر گام برمی‌دارند. او با ذکر مثالی از داستان به عنوان هنری کلامی و نقاشی به عنوان هنری تصویری، می‌کوشد نظریه خویش را روشن سازد (صص ۲۲ - ۲۱) و سپس نتیجه‌گیری می‌کند که حضور هر دو نظام نشانه‌ای برای تحول فرهنگ بشری ضروری است و به گمان او، سینما به عنوان «هنری تألیفی» دارای چنین نقش و ضرورتی است:

«پیدایی سینما به عنوان هنر و پدیده فرهنگی، مربوط به شمار بسیاری از اختراعات فنی است و در این معنی، از دورانی که از سال‌های پایانی قرن نوزدهم آغاز می‌شود، جداشدنی نیست. این دورنمایی است که غالباً سینما را از درون آن می‌نگرند. اما نباید فراموش کنیم که شالوده هنری سینما به وسیله گرایشی به مراتب کهن‌تر ریخته شده است؛ شالوده‌ایی که متضمن تضادهای دیالکتیکی میان دو نوع اصلی از نشانه‌هایی است که شاخص ارتباط در جامعه بشری هستند» (ص ۲۶) □

او نشانه‌ها را به دو دسته قرار دادی و تصویری تقسیم می‌کند. مثلاً چراغ سبز به معنای اجازه عبور و چراغ قرمز نشانه ممنوعیت حرکت است. این دو نشانه کاملاً قرار دادی هستند و مسلماً درک آن‌ها هنگامی میسر است که قراردادهای از پیش بدانیم. به اعتقاد لوتمن، واژگان، نشانه‌هایی قرار دادی هستند که در ادبیات به کار می‌روند. این کلمات، دل‌هایی هستند که از لحاظ شکل و صورت، کمترین شباهت را با مدلولشان دارند؛ در حالی که نشانه‌های تصویری به طور «طبیعی و فطری» با مدلول خویش شباهت دارند. البته لوتمن انکار نمی‌کند که بعضی از نشانه‌های تصویری نیز ممکن است کلاً یا جزئاً قرار دادی باشند، اما به طور «طبیعی و فطری» این گونه نیستند.

چندین دهه پیش از لوتمن، نخستین بنیان‌گذاران علم نشانه‌شناسی، یعنی دوسوسور و پیرس از نشانه‌های قرار دادی بحث کرده بودند دوسوسور همه نشانه‌ها را قرار دادی می‌دانست، اما پیرس افزون بر نشانه‌های قرار دادی که او به آن‌ها، نمادین (Symbolic) می‌گفت، از دو نوع نشانه دیگر، شمایی (Iconic) و نمایه‌ایی (Indexical) نیز نام برده بود. این دو تن، از نشانه‌ها به طور کلی سخن گفته بودند در حالی که لوتمن به این دلیل نشانه‌های قرار دادی را مربوط به ادبیات و نشانه‌های تصویری را برای سینما می‌داند که بتواند هنرها را به دو دسته کلی هنرهای کلامی و هنرهای دیداری تقسیم کند.